



آزاده ، تونیزه ، فرهنگی
او نشراتی ارگان

بسم الله الرحمن الرحيم
د سعیدافغانی د سولی او تفاهم ، نشراتی ارگان

www.said-afghani.org

استقامت په ژوند کی او متانت په کارنوکی
د موفقیت راز دی . « سعید افغانی »



Dr. M. Said Said Afghani

د سعید افغانی : آزاده ، تونیزه ، علمی ، فرهنگی او نشراتی ارگان ته بڼه راغلاست!



نوشته : کریم « پوپل »
تاریخ نشر : ۱۲ اگست ۲۰۱۲ میلادی

کابل در آرنای تاریخ

اشغال و تاراج کابل از زمان تاسیس الی امروز

مقدمه : نامهای کابل:

در طول تاریخ افغانستان! دارای نامهای آریانا، خراسان و افغانستان بوده است. شهرهای چون « بلخ، هرات، قندهار، غور، غزنی، تخار » برای مدتی پایتخت بوده است. ولی زیاده ترین شهری که پایتخت افغانستان بوده کابل یکی از قدیمی ترین شهرهای دنیاست. در کتاب مقدس ویدا به نام کبه و در پارچه های اوستا از آن به زیبا است. نام کوبها یاد می شود. مطابق به نگارش تاریخ نویسان، نام سانسکریتی کابل (کمیوجه) می باشد. این نام در نوشته هایی باستانی در کوفس و کوفن ذکر شده است.

نویسندگان کلاسیک یونانی آن را کوفن یا کوفس و کووا ثبت کرده و همچنان مردم فارس و ارستو این شهر را خوسپس خوانده اند. قدامت تاریخی کابل در حدود ۵۰۰۰ سال می باشد. امکان ان می رود که در سالهای ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ قبل المیلاد به یک شهر تبدیل گردیده باشد. پس اشغال هر قوم یا پادشاه نام آن نیز تغییر یافته است. زمانیکه در مورد کابل مطالعه زیاد صورت گیرد نام کابل از دریای کابل و کوه های کابل گرفته شده است. دلیل عمده آن اینست که کابل منشع سه دریا یعنی دریای گلبهار، پغمان و لهوگر است. در فاصله های اندک این دریا با دریای خروشان و بربرار پنجشیر، علی شنگ علینگار و سرخرود و دریاچه های دیگر یکجا شده به رود سند (اندس) می ریزد از آن بیعد الی لاهور بنام رود کابل یاد می شود. برای سرزمین های هند رزق و روزی تولید می نمود. امکان دار نامهای کابور کافور کوفه کاپول کابول کووا کمیوجه در یکی یکی از زبانها منشع یا دریا را می گفتند. کوه های پر از ارغوان و برف کابل ارتفاعات ناهموار، دریا ی خروشان ، سرسبزی، آب هوای سرد و گوارا آن مردم گرم نشین هند را دیوانه کرده بود. کابل که در ان زمان به صفت نکته مرتفع و منشع شمرده می شد. در آن زمان نام مقدس کابل از خصوصیات آب و هوای آن بود. در قرن هفتم میلادی، یک پژوهشگر چینی به نام شونگ چونگ، در نوشته های خویش مشهور به هیوان سانگ این شهر را کاوفو Kaofu نوشته و چنین برداشت می کند که در حقیقت این شهر زیبا مسما به دریای کاوفو می باشد که از قلب آن می گذرد، وی می افزاید که آریاییان قدیم از لحاظ دینی اهمیتی ویژه به این شهر داده و آنرا کوبها اردهستانه Urdhdhastana Kobaha یا محل بلند پایه گفته اند. کابل از دیدگاهی کتاب مها باراتا هندوان، بهشت و جایگاهی تفکر برای خداوندان خوبی بوده و آنرا در به نام اردهستانه یا عبادتگاهی مقدس حفظ

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی

استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

کرده‌اند. کوه آسمانی محل عبادت بزرگ وقت شمرده می‌شد. هر پادشاه بودیست هند تا زمانیکه در پایه عبادت گاه معبد آسمانی خم نمی‌شد پادشاهی آن قابل قبول نبود. این عبادت گاه را بنام آسمانی یا کوه از امید و آرزو یاد می‌کردند. تاریخ نویسان دوره اسکندر، کابل را به نام ارتوسپانه Artospana که همان اردهستانه Urddhastana سانسکریت است در تاریخ یونانی قید نموده که بعداً در قرن دوم میلادی این شهر را به نام کابورا Kabura یا قلب پاراپامیزاد نوشته‌اند. دردوران کوشانیان بزرگ هنوز هم کابل به نام کاوفو شناخته می‌شده، که آهسته آهسته به کابورامسما گردید تا آن زمان که کابل شاهان از آن به نام کابلستان یاد کردند. کابلستان برای چندین قرن پیش و پس از دوره مسیح، از بامیان و کندهار در غرب تا کوتل بولان و تمام جنوب را در بر می‌گرفت، که این خطه وسیع به ده علاقه‌داری تقسیم بوده و شهرهای کابل، غزنی، بامیان، ننگرهار، سوات، پشاور، اپوکین، بنو و بولر در بر می‌گرفته‌است.

تاریخ حقیقی افغانستان :

طبق گزارش لوئیس دوپری تاریخ دان شرق در افغانستان حدود بیشتر از ۵۰۰۰۰ سال قبل انسانهای اندگونس یا اندیانا با جسامت خورد در چندین نقطه افغانستان حیات بسر می‌بردند. حدود بیشتر از ۹۰۰۰ سال قبل به زراعت اشتغال داشتند. شهری شدن یا بامیان آمدن شهرها پس از بامیان آمدن آئین زردشتی صورت گرفته‌است. افغانستان یا باخترا موسس دین زردشتی است. پس از تاسیس این آئین بلخ یکی از متمدن ترین کشور های جهان بشمار میرفت. کاوشهای که تیم فرانسوی که در کنار رود آمو نمودند معلوم گردید که درین محل ۲۰ هزار سال قبل انسانها زندگی می‌نمودند. در مجموع دشتهای آسیای میانه و سرزمین بود پرنفوس وبدون اداره. هر زمان که درین منطقه یک قوم قوی می‌شد قوم دیگری را میراندند. اقوام رانده شده بالای دو جای حمله می‌نمودند ایران و افغانستان سپس در هند وستان با مردم آن منحل می‌شدند. هکذا چشم خودرا بتمدن دیگران می اندوختند تا چگونه آنها تاراج نمایند. یویه چیها، مادها، هخامنشی ها، کوشانیها، سکهها، یفتلیها، چنگیز، تیمور لنگ، بابر و ده ها قوم دیگر ازین سرزمین بوده زمانیکه گرسنه یا قوی میشدند به ایران و افغانستان سپس به هندوستان حمله می کردند. که این حادثه بیشتر از ۵۰۰۰-۳۰۰۰ سال قبل آغاز گردیده تا قرن ۱۷ ادامه داشت. امکان آن می‌رود بین سالهای ۱۸۰۰-۲۲۰۰ قریه یا شهر کابل تاسیس گردیده باشد. واین عمل از طرف مردم هند نشین شده‌است. بادیه نشینی و مهاجرت بین افغانستان و هند ازسالهای خیلی دور مروج است. علت آن آب و هوا و علفچر بوده است. بادیه نشینان بمرور زمان مناطق نو را کشف مینمودند ودر آنجا مسکن فصلی اختیار مینمودند. تفاوت فاحش درآب و هوای تابستان پشاور و کابل و علفچرهای سر سبز دامنه‌های هندوکش یکی از این علل میباشد.

اقوام که در افغانستان بود باش دایمی نمودند یویه چی ها و سیتی ها است. شاخه از سیتی ها با سایر اقوام هند اروپائی در کنار سردریا و رود اکسوس زندگی می نمودند که این شاخه بعداً از سایر شاخه ها معروف شدند. گوشه ازاین قوم مهاجرت به طرف اروپا و گوشه از آن بطرف جنوب آسیا و گوشه آن با خاک چین تصادم نمودند. سر زمین این اقوام را بنام آریانا و مردم آنها آریا می‌گفتند. (کهزاد ۱۳۲۲)

تاریخ روشن و مستقل افغانستان از قرن سوم ق م الی ششم میلادی میباشد که توسط باختریان کوشانیان و یفتلیان بنیادگذاشته شده بود. با وجودیکه غوریان و غزنویان سلطنت مقتدر را بنیاد گذاشتند ولی همرا با اجانب بوده‌است. پس از قرن ششم الی قرن هجدهم یعنی ۱۲ قرن افغانستان در گیر و دار تاریخ بوده گاهی بزرگ گاهی کوچک وگاهی تجزیه می‌شد. باوجودیکه هوتکیان حکومت افغانی را در یک گوشه افغانستان بنیاد نمودند ولی بزودی خفه شدند. از سال ۱۷۴۷ الی امروز این وطن بنام افغانستان زنده و جاودان باقی مانده است.

اشغال و تاراج کابل در طول تاریخ :

۱. در سالهای ۷۰۰ الی ۸۰۰ قبل میلاد کابل در تسلط مادها قرار می‌گیرد. در زمان مادها (کابل) بنام کابورا یاد می‌گردد. در سالهای قبل از ۵۰۰ کابل مربوط کنداره بود.

۲. در سالهای بین ۵۰۰-۳۵۰ ق م. کابل در تحت سلطه هخامنشی‌ها قرار گرفت. قبل ازین کابل در تحت سلطه گنداره

بود. هخامنشی‌ها دارای دین میترا و مغان بودند. (داریوش اول دوم و سوم) فرمانروایان امپراتوری هخامنشی شهر را به نام کابورا تألیف نموده است. نام کابورا Κάβουρα توسط بطلمیوس نیز تألیف شده است. کابورا مرکز

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی

استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

آنین مزد یسنا بود که بعدها همراه با آنین بودا و آنین هندو همراه شد. (بظلموس دانشمند که در رکاب اسکندر قرار داشت)

۳. در سال ۳۲۷ ق م اسکندر کابل را تسخیر نمود. و کاپیسا را ویران نمود. اسکندر کابل را از اریابها تسخیر نمود. در عوض برای خود محل بود و باش اعمار نمود.

۴. در سال ۳۰۳ پس از مرگ اسکندر کابل برای مدت کوتاه کابل مربوط حکومت سلوکیان بود. در سال ۳۰۰ دین بودیزم توسط میلغین آشوکا به افغانستان وارد گردید. سلطنت چندراگپتا کابل را در برابر ۵۰۰ فیل و آدواج از سلوکوس یونانی بتصرف خویش در آورد. در همین ایام در هندوستان سلطنت خودمختاره بنام موری ساخته شده بود.

در سال ۱۳۹ دولت باختری حکومت کابل را از مانوریان گرفت و بطرف هند پیش روی نمودند. پس از آن در اواسط سده دوم پیش از میلاد زیردستان آنها امپراتوری ایندو گریکس شهرکابل را به دست خود گرفتند باختریان شهر بزرگ را بنام پارو پامیزاد در نزدیکی کابل بنیاد کردند، اما در سده اول پیش از میلاد این شهردوباره به دست ماوریان افتاد.

۵. سکاها یا سکاها ی قوم بودند اسپ سوار همواره دولت باختر (بلخ) را مورد فشار قرار میدادند. در سال ۱۲۷ قبل میلاد هونها بالای یویه چی‌ها و یویه چی‌ها بالای سکاها فشار وارد نمودند. در نتیجه سکاها از آسیای میانه و شمال ایران به باختر هجوم آوردند. در مراحل اول سکاها خواستن بالای فارس بریزند ولی در ایران اشکانیان دولت قوی را بنام پارتها تاسیس نموده بودند. ناچار بجای اینکه به خراسان بریزند، به طرف باختر رفتند، و در افغانستان کنونی برقرار شدند. یونانیهای باختر به طرف جنوب شرقی رفته در کابل و وادی سند حکومت قوی را تاسیس نمودند که بنام هند یونانی یاد می‌گردید. پایتخت آن در چاکله بود که به یونانی اوتی‌دمیا می‌نامیدند. سپس سکاها بالای کابل حمله نموده کابل را از یونانی باختر تصرف نمودند. بزودی قوم سکاها قوی شده یونانی هندی را نیز شکست دادند.

۵. طولی نکشید که دولت هندو یونانی هم تابع همان سکاها گشت و سکاها در اینجا دولتی تاسیس کردند که در تاریخ معروف به دولت هندوسکائی است.

۶. سیستی‌ها (سکاها) در اواسط دهه اول پیش از میلاد ایندو گریکس را از شهرکابل بیرون انداختند و کابل برای مدت ۱۰۰ سال متعلق به سیستی‌ها بود اما با روی کار آمدن شاهنشاه کوشانی سیستی‌ها شهر را از دست دادند.

در هفتم پس از میلاد ژوانزونگ کابل را به عنوان کافو (Kaofu) بررسی کرده بود و اعلام کرد که کافو لقب یکی از پنج قبیله مهاجر یوجی یا یوژی است. کافو (کوشانیان) با شمول ۴ قوم دیگر یویه چی پس از شکست از دست جنگجویان چینی با سکاها و تخاریان متحد شده فلات ایران و باختر را از یونانیان باختری تصرف نمودند سپس بطرف جنوب هندوکش یورش بردند. کابل درین زمان بدست یونانیان هندی بود. در سال ۴۵ میلادی این شهر پس از جنگ سختی توسط امپراتور کوشان، کوجولا کادفیسوز فتح شد و جزو مایملاک امپراتوری کوشان تا اواخر سده سومین پس از میلاد محسوب می‌گردید.

از تاریخ یونان چنین برداشت می‌شود که آرتوسپا یا کابل مرکزی عمده و اصلی در منطقه بوده، که بعداً در دوره تسلط یونان، هرات که سکندریه‌ی افغان بود جای کابل را اشغال کرد که بعداً شاهزاده گان هندوساک آن‌را بار دیگر احیا کردند.

۷. در سال ۴۵ میلادی جنگ سخت در کابل بین سرنشینان کابل و کوشانیان رخ داد. شهر توسط امپراتور کوشان، کوجولا کادفیزس فتح شد. کوشانی‌ها در اطراف سالهای ۲۳۰ پس از میلاد، از دست امپراطوری ساسان شکست خوردند و همراه با بیعت‌های ساسانی معروف به ایندو-ساسانیان تبدیل شدند. در دوران ساسانیان، شهر کابل رابه نام "کاپول" نامیده می‌شد.

۸. در سال ۴۲۰ میلادی ایندو-ساسانیان توسط قبیله خیانتان که با نام "کیدارایتز" نامیده می‌شدند از شهر کابل به بیرون رانده شدند که نام این قوم در سال ۴۶۰ میلادی را بنام یفتلیان (هپتالیان یا هفتالیان یا هیتالیان یا هیاطله یا هونهای سفید) تاسیس نمودند. هپتالیان از گانسوی چین به تخارستان سپس به کاپیسا بعداً کابل را بتصرف خود در

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

می آورند. آنجا یفتلی ها را به نام کابل شاهان نیز مینامند. مطابق با تاریخ الهند اثر ابو ریحان البیرونی کابل توسط شاهزاده گانی که از تبار ترکها (عثمانیها) بودند اداره می شد که برای ۶۰ نسل ادامه پیدا کرد.

ترک های کابل و هندوها دیوار بزرگ دفاعی را در اطراف شهر به علت محافظت از مهاجمان آینده ساختند. یفتلیان در سال ۴۲۵ میلادی سرزمین باختر را کاملاً تصرف نموده و چند بار دولت ساسانی را شکست داده و در قلمرو آریانا دولت مقتدر را تشکیل داده اند. به گواه تاریخ یفتلیان را نظام سوار کاران تشکیل می داد و این امر موجب گردید تا علیه دولت مقتدر همسایه یعنی دولت ساسانی جنگهای موفقیت آمیزی انجام دهند. یفتلیان در هند با آخرین شاهان امپراتوری گوپتا هجوم برده و در سال ۴۶۰ میلادی کندهار بدست آنها افتاد. در اواخر قرن پنجم میلادی آخرین امپراتوری گوپتا درهم شکسته، سند، راجستان و وادی گنگا و جمنا را بدست آوردند. همزمان با لشکر کشی بسوی هند یفتلیان ساحه نفوذ خویش را به ترکستان شرقی نیز توسعه دادند.

(مرحوم غلام محمد غبار در تاریخ جغرافیه افغانستان با استناد از تاریخ عمومی عباس اقبال اشتیانی پیرامون یفتلیان می نویسد: یفتلیان جنگی سخت را با شاه پور ذولاکتاف فارس کرده اند و فیروز والی سیستان را در حدود نیمه قرن چهارم میلادی در پناه خود گرفته اند این وقت هرمز برادر فیروز بعد از درگذشت یزد گرد دوم پادشاه فارس بود و یفتلیان فیروز را جبراً به صریر سلطنت فارس نشانند فیروز پرداخت مالیه را به دولت یفتلیان وعده سپرد ولی از پرداخت مالیه سرپیچی نموده که این امر باعث درگیری خونین میان دولتین گردید و در نتیجه فیروز مغلوب شد این بار فیروز تعهد سپرد تا دختر خود را به خوش نواز پادشاه یفتلیان بدهد اما در سال ۴۸۳ میلادی دوباره میان یفتلیان و ساسانیان در حدود توران جنگ شدید در گرفت و فیروز بدست یفتلیان واقع در بلخ افتاد و سرانجام اعدام گردید.)

(بلاخره فیروز بین سالهای ۴۸۳ الی ۴۸۷ میلادی پادشاه فارس شد و متحمل پرداخت مالیه به دولت یفتلیان شد.

و سرانجام در نیمه قرن ششم میلادی دولت یفتلیان در اثر هجوم ترکان و ساسانیان فارس منقرض گردید و ترکها بر تخارستان شامل بیست و هفت ولایت بود تسلط یافتند. اگرچه پس از فروپاشی حاکمیت یفتلیان حکومت های کوچک و محلی از این سلاله تا مدت ها دوام کرد اما با گذشت زمان این سلاله به نقاط دنیا و ولایت مختلف افغانستان پراکنده شدند.)

۹. از سال ۳۴ هجری شمسی هجری کابل ۲۳ بار یعنی حدود ۲۰۰ سال مورد تهاجم شدید اعراب قرار داشت. اعراب در سال ۳۴ هجری به شهر کابل حمله کردند شهر را از طرف دیوار دهمزنگ شگافتند، اعراب فاتح شدند و شاه کابل موقتاً به گردیز رفت. کابل را تاراج نمودند. ولی بزودی شهر را دوباره بدست آوردند. اعراب درین جنگ جوانان کابل را بیرحمانه سر بریدند.

مردم کابل برای چند بار ۲۰۰۰ فرزندان ۱۲ ساله خود را با جام طلا برای خلیفه فرستادند بدین ترتیب تا سقوط امپراطوری اعراب کابل را در حفاظت داشتند. استقامت و بردباری مردم کابل توانست از شر اعراب کابل را در حفاظت قرار دهند.

تاریخ مصر به وضاحت می نویسد که لشکر بزرگ اسلام بعد از فتح نیم جهان در شیردروازه های کابلستان به مرتبه بیست و سه بار شکست مطلق دیدند تا آنکه به مرور زمان کابلیان خود به دین اسلام گرویدند.

اما تشکیل دولت های صفاری و طاهریان نفوذ عربها را از کشور کم کرده رفت و کابل نیز به دست حکمرانان محلی اداره می شد.

۱۰. در سال ۲۵۸ یاقوب لیث صفار کابل را تصرف تاراج می کند. کابل در حمله یعقوب لیث مورد چپاول و غارت قرار گرفت. مقارن ضعف صفاریان از کوهستان شرقی کابل یک قوم دیگر بنای سلطنت را در کابل گذاشت که سرکرده شان را کالاله می گفتند و تا به عصر غزنویان باقی بودند، تا این که در سال ۳۴۴ ه. ق. ضمیمه سلطنت غزنوی شد. کابل در عهد غزنویان از اهمیت افتاد شهر غزنه پایتخت خراسان قرار گرفت.

پس از صفاریان در کابلستان حدود ۲۸۰ شمسی شخص بنام کل لاله در کابل حکمرانی می کرد. حدود ۶۶۰ سال کابل بدون جنگ باقی ماند.

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

۱۱. در دوره تیموریان باوجود جنگهای شدید شاه کابل در کوهستان از دست تیموریان شکست می‌خورد. و تیموریان کابل را جزو قلمرو خویش می‌سازد.

۱۲. در سالهای هجری شمسی ۳۴۶ سبکتگین بالای کابل حمله نمود. و کابل تاراج گردید.

۱۳. غوریان بین سالهای ۵۴۳ و ۵۴۴ کابل را تسخیر نمودند.

۱۴. در حوالی سال ۵۹۵ هجری کابل متعلق به دولت خوارزم شاهیان گردید.

۱۵. در سالهای ۶۰۰ ه.ش کابل مورد تهاجمات علاکو و چنگیزخان قرار گرفت. از اینکه علاکو نواسه چنگیز در منطقه پروان شکست می‌خورد سپس با نیرنگ داخل کوهستان و کابل و هند می‌شود. و همه را تاراج و قتل می‌نماید. از سال ۶۲۴-۷۶۰ هجری شمسی ۲۴ نفر از چغتایان حکومت می‌نمایند. که تاریک ترین دوره تاریخ افغانستان است.

۱۶. در حوالی سالهای ۷۵۴ الی ۷۶۰ ه.ش کابل مورد حملات و تاراج امیر تیمور قرارگرفت.

۱۷. در سال ۱۵۰۴ م کابل در تصرف بابر قرار گرفت. بابر کابل را در مراحل اول پایتخت می‌سازند. کابل دوباره رونق یافت و تا سال ۹۲۳ پایتخت بود و به تعمیر و آرایش آن پرداخت. بابر به کمک مردم این شهر، هندوستان را فتح کرد و پایتخت خود را از کابل به آگره نقل داد و کابل مرکز ولایت شد. آرامگاه این پادشاه هم در همین شهر است.

بابر شاه خود را نواده امیر تیمور و از مادر خود را زاد نهم چنگیز می‌دانست امکان دارد زیرا چنگیز ۵۰۰ کنیز زیبا داشت. بابر شاه اولاً خان بدخشان را فریب داد پس از مدتی حکمران بدخشان شد سپس کابل را گرفت. او در ایام که کابل را فتح کرد زلزله شدید در کابل رخ داده بود تقریباً تمام کابل به خرابه تبدیل شده بود. بابر با دیدن چنین حالت با مردم کابل همکاری نمود و کابل در قلب او جای گرفت.

۱۸. در سال ۱۱۱۷ کابل در تصرف نادر شاه افشار در آمد. نادر افشار به همکاری مشاوران فرانسوی برجهها ساخت و کابل را در تحت باران توپ قرار دارد. تا آنکه کابل را بتصرف خود درآورد.

۱۹. پس از ۱۷۶۷ کابل در تصرف احمدشاه ابدالی قرار گرفت.

۲۰. ابدالبهان: وقتی که سلطنت به احمد شاه بابا رسید، وی توجه به کابل نمود و خواست آن را مرکز دولت خود قرار بدهد. چنان برای همین مطلب در سال ۱۱۴۴ امر احداث یک دیوار بزرگ را در شهر داد. این دیوار در ظرف ۴ ماه آباد گردید. تیمور شاه پس از تنظیم قند هار در سال ۱۱۹۵ ه. ق. رسماً کابل را پایتخت ساخت و از آن تاریخ تا امروز کابل مرکز و پایتخت افغانستان است.

۲۱. تیمور شاه در سال ۱۱۵۴ کابل را پایتخت ساخت. شهر دارای دیوار و هفت دروازه بود.

۲۲. ۱۲۲۱ شاه شجاع در کابل کشته می‌شود. ارگ توسط انگلیس تاراج الماس کوه نور توسط انگلیسها دزدی می‌شود. تمامی ارگ شاهی توسط سربازان انگلیس به هند فرستاده می‌شود.

۲۳. در سال ۱۳۰۸ ارگ شاهی و ملکیت‌های دولتی شهرکابل توسط مردم شمالی برهبری حبیب اله کلکانی تاراج می‌شود.

۲۴. در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی نادرخان گروپ از قبایل دوطرف سرحد را جمع نموده به کابل حمله نمود. درین روز ارگ شاهی و بعضی ساحات کابل و شمالی تاراج شد. گویند در روزهای نخست کیسه دولت آنطور خالی بود که

نان خوردن را نداشتند. تا آنکه شخص بنام محمد افضل خان تاجر افغانی در زیر قالین خانه خود یک فرش طلا را به نادرخان بلاعوض داد. (حاجی بابا وکیل تاجران لیلای فروشان). هکذا پسران مکاتب غرض تقویه دولت از

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

مردم اعانه جمع می نمودند و پس از مدتی دولت انگلیس مبلغ دومیلون، دولت آلمان چکوسلواکیا اطریش و روسیه یکتعداد اسلحه والبسه کمک نمودند. (مرحوم جنرال عبدالطیف پوپل)

۲۵. در ۸ ثور سال ۱۳۷۱ کابل توسط مجاهدین اسلام تفنگداران بی مسولیت و حزب وحدت برهبری مستقیم پاکستان و اخوندهای ایران چور و بعدا به آتش کشیده می شود. دو چور کوچک را نیز می خواهم یاد آوری نمایم.

۱. در سال ۱۹۹۵ پیش از اینکه طالبان داخل کابل شود مجاهدین برای آخرین بار مردم را تاراج نمودند. این روز طوری بود که مجاهد دیگر را چور می نمود. حتا در سرکهای شمالی.

۲. پس از اینکه حامد کرزی مارشال فهیم را از کرسی نشانند. فردا آنروز گروپ از مرمان بی سر و بی پا اولاً مذاره بعدا دکانها و مردم را تاراج نمودند.

منابع :

۱. ویکی پیدیا فارسی و انگلیسی .تاریخ افغانستان - تاریخ کوشانیان سکها ماد ها . آریایها ، یفتلیها

۲. سیتی ها نوشته احمد علی کهزاد در ساید آریای سال ۱۳۲۲

<http://www.ariave.com/dari9/tarikh/kohzad5.pdf>

۴.تاریخ هخامنشی ها و مادها در وبگاه تاریخ و تمدن جهان باستان

<http://tarikhema.ir/words/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE-%D9%>

۵.افغانستان در مسیر تاریخ نوشته میر غلام محمد غبار تاریخ از قرن سوم قبل المیلاد تا قرن ششم میلادی یونانیان باخترا کوشانیان یفتلیان-

۶.افغانستان در مسیر تاریخ آغاز تاریخ نوین افغانستان از سال ۱۷۰۹ الی امروز

۷. افغانستان نر پنج قرن اخیر مولف میر محمد صدیق فرهنگ جلد اول صفحات ۱۰۴ - ۱۷۰

۸. دانشنامه آریانا نوشته مهندس مهدیزاده کابلی - در مورد

احزاب سیاسی در افغانستان، ادیان در افغانستان، اقوام افغانستان، تاریخ افغانستان، زبان های افغانستان
و مذاهب افغانستان در وبگاه دانشنامه خراسان

<http://afghan-encyclopedia.blogspot.dk>

۹. یفتلیان در یک نگاه. نوشته عبدالبصیر وثیق در ویبلاگ روشنگری

<http://shaheen-pamir.blogfa.com/post-3.aspx>

۱۰. مصاحبه غوث زلمی با تلویزون اریانا وتلو در مورد چور کابل

بازگشت به صفحه اصلی

www.said-afghani.org

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است